

جوان: برای مردم قابل قبول نیست که با این افراد به خاطر دست‌اندازی به بیت‌المال و سوءاستفاده از مسئولیت، هیچ برخورد قضایی و انقلابی نشود. اگر دیروز مبارزه با فساد و صاحبان ثروت‌های بادآورده، یکی از مطالبات جدی مقام معظم رهبری از مسئولان کشور بود، اکنون این مبارزه به یک مطالبه عمومی از نظام اسلامی تبدیل شده است. اگر به این مطالبه و درخواست پاسخ شایسته داده نشود، به طور قطع بر بی‌اعتمادی مردم افزوده می‌شود. طرحی که اینک در مجلس شورای اسلامی با عنوان «اعاده اموال نامشروع مسئولان» مطرح شده و تعداد قابل توجهی از نمایندگان مجلس به دنبال تصویب آن هستند، طرحی بسیار مهم در راستای بازسازی اعتماد عمومی به حساب می‌آید. نمایندگان مجلس این طرح اعتمادساز امیدوارکننده را، با تمام قوت دنبال کرده، پس از تصویب در اجرایی کردن آن با همکاری قوای دیگر، از هیچ کوششی دریغ نوزند. البته این مسیر، مسیر همواری نخواهد بود و به طور قطع، صاحبان ثروت‌های بادآورده و قارون صفتان زمانه، به بهانه‌های مختلف و توجیحات گوناگون، ممکن است به کارشکنی و سنگ‌اندازی در این مسیر مشغول شوند. بنابراین حرکت در این مسیر، به روحیه جهادی و انگیزه انقلابی نیاز دارد. به طور قطع با ثبات قدم در این مسیر، می‌توان فساد را ریشه‌کن کرد و موانع بزرگ را از سر راه دولت‌سازی اسلامی برداشت.



حضرت فاطمه زهرا (س):

همواره در خدمت مادر
و پای بند او باش.
چون بهشت زیر پای مادران است.



کیهان ماندن واشنگتن، در برجام، بهترین و پرسودترین کار است

نشانی اینترست می‌نویسد: در حال حاضر بهتر است آمریکا در برجام بماند تا نفوذ ایران را که موجب بی‌ثباتی در منطقه خاورمیانه شده است، از بین ببرد. تصمیم دونالد ترامپ رئیس‌جمهوری آمریکا برای عدم تایید پایبندی ایران به توافق هسته‌ای، پایان مشارکت واشنگتن در چارچوب توافق نبود، زیرا او در ماه‌های آینده باید تصمیم بگیرد که آیا به حمایت از این توافق ادامه دهد یا کاملاً از چارچوب آن بیرون برود. در حال حاضر بهتر است تا آمریکا در برجام بماند. برجام در حال حاضر در تحکیم موضع آمریکا در برابر ایران نقش دارد و ترامپ با تهدید به بیرون آمدن از توافق هسته‌ای، فرصتی ایجاد می‌کند تا جای پای خود را در برابر ایران مستحکم کند.

عبور از بحران مدرن

شهروند: ورشکستگی تعداد زیادی از موسسات مالی و مال‌باختن نزدیک به سه‌ونیم میلیون ایرانی در این موسسات، خبر امروز و دیروز نیست و ماه‌هاست که این موضوع از جنبه‌های مختلف اقتصادی مورد بحث و بررسی قرار گرفته، اما عصر دو شنبه همین هفته بُعدی دیگری از این ماجرا در نشست گروه صلح انجمن جامعه‌شناسی ایران واکاوی شد؛ آثار بحران ورشکستگی موسسات مالی بر احساس اعتماد و حق‌خواهی مسالمت‌آمیز-صلح‌جویانه. در این نشست پرحاشیه، سخنرانی وزیر راه و شهرسازی به دلیل اعتراض بعضی از دانشجویان و مالباختگان لحظاتی متوقف شد و هنگام خروج او هم منتقدان شعاری علیه او سردادند تا به این شکل اعتراض خود را به سخنان «عباس آخوندی» نشان دهند. «عباس آخوندی» در این باره گفت: «من تصورم بر این است که در ایران به تدریج با بحران‌های مدرن روبه‌رو می‌شویم و با این مسائل پیش از این اساساً آشنایی نداشتیم و بنابراین نحوه مواجهه با آن‌هم، گرفتاری خاص خود را در دولت و جامعه دارد.» او در ادامه تلاش کرد که این توضیح را بشکافد: «مفهوم بانک، یک اتفاق مدرن در ایران است؛ این که گروهی در جایی سپرده‌گذاری کنند و آن موسسه با سرمایه‌گذاری سودی را به سپرده‌ها پرداخت کند. چنین مفهومی پیش از دوران مدرن در ایران وجود نداشت.»

۲ وزیر زیر تیغ

شرق: محمدرضا عارف بامداد دیروز امیدی‌ها را فراخواند. اصلاح طلبان عضو فراکسیون باید شش و نیم صبح خودشان را به بهارستان می‌رسانند تا تکلیف استیضاح دو وزیر کابینه حسن روحانی مشخص شود؛ علی ربیعی و عباس آخوندی، هر دو زیر تیغ استیضاح و این بار جدی‌تر از همیشه با کارت‌های زردی از مجلس در جیب. هنوز خانواده در گذشتگان کشتی «سانچی» و سانحه هواپیمایی تهران-یاسوج لباس تیره از تن به در نکرده‌اند و این سیاه‌پوشی حالا پاشنه آشیل هر دو وزیر شده است. از قضا سهام‌دار اصلی شرکت ملی نفت کش و شرکت هواپیمایی آسمان تحت مدیریت وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی است. جلسه بامدادی با انتقاد از دولت روحانی و ندیدن سطح اعتراض تجمعات اخیر پیش می‌رود. اکثریت حاضر به شکلی موافق استیضاح‌اند. در این دیدار به نمایندگان اصلاح طلب گفته بود از دشواری‌های پیش‌روی دولت روحانی مطلع است و بهتر است کماکان همدلی با دولت در دستور کار باشد. باین‌حال در همان جلسه برخی نمایندگان از عدم همراهی دولت و برخی وزرا و کارشکنی برخی در نشست و برخاست مجلسی‌ها با رئیس‌جمهوری گله کردند و از سوی رئیس دولت اصلاحات دعوت به صبر شدند. نامه استیضاح وزیر رفاه و وزیر راه هر کدام به‌طور جداگانه امضای ۲۴ نماینده را دارد و در دو روز گذشته از سوی کمیسیون اجتماعی و کمیسیون عمران به هیئت‌رئیس مجلس ارائه شده است.

آقای رئیس‌جمهور چقدر از تحولات اخیر فلسفی در حوزه علم اطلاع دارد؟

فرهیختگان: مهدی گلشنی، فیزیکدان و نظریه پرداز دانشگاه شریف است که پژوهشگر فلسفه علم، مترجم زبان انگلیسی، عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی و عضو پیوسته فرهنگستان علوم ایران در مصاحبه با روزنامه فرهیختگان نکات قابل توجهی را بیان کرده است: امروزه فردی معلومات خاص مربوط به مهندسی، پزشکی و ... را یاد می‌گیرد ولی اصلاً نمی‌تواند با انسان‌ها ارتباط برقرار کند. به همین جهت در جامعه ما رفتارها بسیار بد شده است. بارها به رئیس دانشگاه صنعتی شریف گفته‌ام که اگر نگاه‌تان به آمریکا است - زیرا این دانشگاه شریف با الگوگیری از MIT بنا شد - ببینید آنها چه کار کرده‌اند؟ آن زمان MIT گروه فلسفه نداشت، ولی الان فلسفه دارد، نگاه کنید که آنها چه حمایتی از علوم انسانی می‌کنند و شما چه حمایتی می‌کنید. چندین سال است که می‌گویم یک اتاق اضافی در اختیار گروه فلسفه علم دانشگاه بگذارند ولی این اتفاق نیفتاده است. یعنی بعضی امور شأن خودش را از دست داده است. لازم است که فرهنگ مان را تغییر دهیم و دانشجو دغدغه‌اش حل مشکلات کشورش باشد، نه رفتن به آمریکا. ایران اگر بخواهد تغییر کند باید روی پای خودش بایستد. چینی‌ها درست است که علم را از آمریکا گرفتند، ولی خودشان محصولاتشان را ساختند؛ درحالی که چندین سال است ما از ماشین ملی صحبت می‌کنیم ولی بعد از برجام کمپانی‌های خارجی برای مونتاژ ماشین‌های مختلف سرازیر کشورمان شدند. تفاوت تفکر را می‌توان در این‌گونه مسائل متوجه شد. شهید چمران یک ماه قبل از شروع جنگ ایران و عراق در اتاقی در ساختمان نخست‌وزیری به بنده و چند تن دیگر که به ملاقات‌شان رفتیم، گفتند ما باید هواپیما بسازیم، درحالی که امروزه حتی برخی محصولات را که تا چندین سال پیش خودمان تولید می‌کردیم، وارد می‌کنیم و البته زمانی که وضعیت اینگونه شود و نتوانیم مایحتاج اصلی مان را خودمان تامین کنیم، به ما زور می‌گویند. به خاطر دارم در زمان کودکی در روزنامه می‌خواندم که هندوستان از روسیه گندم وارد می‌کند ولی حالا ما از هندوستان گندم وارد می‌کنیم. من شخصاً نیز در سال ۱۳۶۷ به چین سفر کردم و از همت و غیرت ملی‌شان حیرت‌زده شدم. آن زمان رئیس آکادمی علوم پزشکی شان در کنفرانسی که ما هم در آن حضور داشتیم، گفت که ۹۰ درصد چینی‌ها که به خارج می‌روند، به کشور باز می‌گردند و حس همکاری در چینی‌ها وجود دارد؛ درحالی که در ایران اینگونه نیست و حتی بعضی عالمان نمی‌توانند همدیگر را تحمل کنند. علتش هم این است که اخلاق در محیط ما مطرح نیست و افراد همدیگر را تحمل نمی‌کنند. آقای روحانی باید پرهیز می‌کرد که در این حوزه وارد شود. زیرا ایشان با کدام یک از علوم طبیعی و علوم فیزیکی آشنایی دارد و چقدر با تحولات عمیق فلسفی که در حوزه علوم فیزیکی و طبیعی در دهه‌های اخیر رخ داده آشناست؟!

سکوت و چند سوال؟

اعتماد: اولین سوالی که از بخش کوتاه سخنرانی اسحاق جهانگیری در نشست روز گذشته وزارت کشور ایجاد می شود این است که فرمان سکوت از سوی چه کسی خطاب به او صادر شده است؟ آیا این سکوت بر اساس ساختار سازمانی که جهانگیری در آن تعریف می شود از سوی مافوق او یعنی رییس جمهوری به معاون اول توصیه شده است؟ رییس جمهوری که خود همچون معاونش در لفافه حرف زدن را بیشتر می پسندد و در هر بزنگاهی ترجیح می دهد اشاراتی غیرمستقیم داشته باشد چه آنکه در مواجهه با انتقادات به ترکیب بدون زن کابینه دوازدهم گفت «خیلی دلم می خواست حداقل سه وزیر زن داشته باشیم و گزینه های آن نیز انتخاب شده بود اما نشد.» در حالی که چند جمله پیش از آن تاکید کرده بود برای انتخاب وزرا تحت هیچ فشاری نبوده است. جهانگیری دیروز بسیار مشابه رییس خود در دولت یازدهم و دوازدهم سخنرانی کرد. چه آنکه حسن روحانی هم در بزنگاه ها و در مواجهه با کاستی ها به اشاراتی در دولت گذشته اکتفا می کند و صبر کردن را توصیه. موضوعی که بارها مورد نقد مخالفان دولت هم قرار گرفته است و مشخص نیست بالاخره چه زمانی قرار است پرده از اقدامات دولت قبلی بیفتد و شاید به تعبیری «عمق دقیق فاجعه» مشخص شود.

خرید اتوبوسی ارز!

بهار: سخنگوی دولت یازدهم درباره اینکه گفته می شود دولت سربالا پاسخ سوالاتی نظیر بازار ارز را می دهد، بیان کرد: دولت سربه زیر است و تلاش دارد حباب ارز را از بین ببرد در حالی که می دانیم اتوبوس اتوبوس آدم می آورند برای خرید ارز. محمد باقرنوبخت در نشست هفتگی خود با اصحاب رسانه با بیان این که تشکیک در آمارهای مرکز آمار درست نیست، اظهار کرد: بعضی از رسانه ها می گویند آمار مرکز آمار که درست نیست، این آمار دادن های اشتباه تشکیک در آمار نظام است که قابل پیگیری است. برخی از رسانه ها ادعای انقلابی بودن از زبانشان آویزان است و با سیاه نمایی آمار را نشان می دهند. بله ما کاستی هایی داریم ولی چرا می تکرار می کنند اقتصاد ما خراب است وضع درست نیست خب این ها هم حرف های ترامپ را تکرار می کنند. وی همچنین در بخش دیگری از نشست خبری خود درباره شروط وزیر امور خارجه فرانسه و واکنش ایران گفت: ما بارها گفته ایم برجام غیرقابل تغییر است و اروپایی ها هم تایید کردند. معاون رئیس جمهور ادامه داد: بعضی جاها اروپایی ها حرف هایی دارند که اگر این بحث در بخش بنیه دفاعی است گفته ایم که این بحث قابل گفت و گو نیست و از کسی اجازه نمی گیریم و قطعاً از منافع خودمان دفاع می کنیم.

رقص عربی فوکویاما در دبی

خراسان: به تازگی رسانه های خبری عربی و به دنبال آن برخی از رسانه های فارسی زبان در داخل و خارج از کشور به انتشار سخنان "فرانسیس فوکویاما" نظریه پرداز ۶۵ ساله ژاپنی-آمریکایی و استاد علوم سیاسی دانشگاه استنفورد در اجلاس جهانی دولت ها (World Government Summit) در دبی پرداخته اند. فوکویاما در این اجلاس مدعی شده است که "در ایران، یک انقلاب اجتماعی زیر پوست جامعه در حال گسترش است." او نظام سیاسی ایران را "یک ساختار قدرت محافظه کار و روستایی خوانده که با جمعیت جوان و مدرن این کشور سازگاری ندارد." از همه عجیب تر این که او آن چه را «آشفته گی» ها در ایران «خوانده تا حدی ناشی از عوامل آب و هوایی همچون خشکسالی و کمبود آب» دانسته، که اغلب خشونت به بار آورده و با دیگر عوامل بحران زا تداخل پیدا کرده است. نکته جالب درباره سخنان فوکویاما در اجلاس دبی منطق متناقض و پارادوکسیکالی است که وی برای سر منشاء بحران های جهانی و به ویژه "تنش ها در ایران" ارائه می کند. او از یک سو نظام سیاسی ایران را که به اذعان دوست و دشمن، "مدرن ترین نظام سیاسی" در خاورمیانه است، یک نظام سیاسی "روستایی" می خواند که به دلیل به روز نبودن و نداشتن حس معاصرت دچار بحران است و از سوی دیگر نظام های قبیله ای و دیکتاتوری عرب حاشیه خلیج فارس را الگویی برای حکمرانی منطقه ای می داند! این واقعیت است که فوکویاما به رغم شهرتش یک "استراتژیست ورشکسته" در غرب محسوب می شود. مهم ترین اثر فوکویاما، نظریه پایان تاریخ اوست که در دهه ۱۹۹۰ به "سرود پیروزی سرمایه داری و متن رسمی نئومحافظه کاری" تبدیل شد. او در این کتاب استدلال کرده بود که فروپاشی شوروی نشان می دهد؛ "لیبرال دموکراسی" تنها مسیر آینده بشریت است و گریزی از آن نیست. نظریه ای که البته خیلی زود بی اعتباری اش بر همگان و حتی خود فوکویاما ثابت شد، بنابراین او به صورت رسمی نظریه اش را پس گرفت و حتی یک گام فراتر نهاد و در آخرین اثرش از "زوال دموکراسی ها" نوشت.